

رمان تاریخی «ماه و بلوط» رونمایی شد

رمان «ماه وبلوط» تازه‌ترین اثر محسن مومنی شریف، شامگاه دوشنبه با حضور اهالی فرهنگ، ادبیات و رسانه در تالار مهر حوزه هنری انقلاب اسلامی رونمایی شد. در این مراسم مجید آقایی، استاد دانشگاه یوکر کانادا گفت؛ به نظر می‌رسد نویسنده، کتاب را از بی و مسیر خوانش و فضای حقیقی کردستان دریافت کرده است. این یکی از مؤلفه‌های مهم است. خواننده در مواجهه با شخصیت‌های این کتاب نوعی نزدیک بودن به علاقه‌های درونی

را احساس می‌کند. این علاقه‌ها مارا به حس گفت‌وگو کردن به جای حس انزجار نزدیک می‌کند. محسن مومنی شریف، مؤلف کتاب هم گفت؛ کتاب «ماه وبلوط» اثر کوچکی برای شناسایی کردستان است. مقام معظم رهبری همواره نگاه حق شناسانه‌ای نسبت به کردها دارند. کردها همواره مرزبانان ایران بودند، شهدایی که کردستان داد، کمتر از اقوام دیگر نیست. محسن مومنی شریف بیان کرد؛ وامدار جان‌های یاکي هستیم که فدا شدند. خیلی

نگاهی به مجموعه غزل‌های قادر طراوت‌پور با نام «کوه‌زاد»

نیاکانم درختان اصیل زاگرس بودند



حسنا محمدزاده شاعر و منتقد ادبی

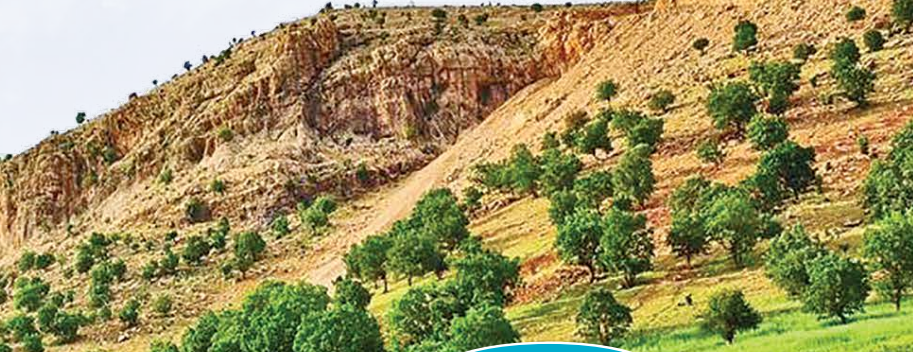
ته‌کاهی جهان وقتی از منشور روح شاعر عبور می‌کنند، هویتی نو می‌پذیرند و به رنگ روحیات و ذهنیات او درمی‌آیند، مثلاً وقتی این بیت را می‌خوانیم؛ «اگر از من شنیدی شعر شیرینی، مکن حیرت/ که گاهی صخره‌های ساده، رویشگاه انجیرند» متوجه می‌شویم که «صخره» و «انجیر» هویتی نو پذیرفته‌اند؛ اولی، مبدل به من «شاعر» شده است و دومی مبدل به «او» یا وقتی می‌گوید؛ «برقله دلتنگی من پیر عقای/ کاشانه برافراشته، چون قلعه شاهان» متوجه می‌شویم که «قلعه» و «عقاب» دیگر خودشان نیستند و می‌خواهند با هویتی عاری از اوج دلتنگی شاعر بگویند. مجموعه غزل «کوه‌زاد»، همان طور که از عنوان هوشمندانه‌اش پیداست، کتابی است که شاعرش اجزای طبیعت را به طغیان واداشته است، خودش هم می‌گوید؛ «مشغول آشوبند ذرات جهان در من». به تصویر درآمدن روحیات، ذهنیات و درونیات شاعر در آیینه طبیعت، قابل توجه‌ترین خاصه این اثر است. طبیعت از دیرباز در ادبیات فارسی جایگاه ویژه‌ای داشته است و شاعران با کمک آن، انفعالات روحی خود را بروز داده‌اند و از نگرانی‌ها، آرزوها و امیدهای خود گفته‌اند، برخی منتقدان، شعر فارسی را در ادوار نخستین، تا پایان قرن پنج، شعر طبیعت می‌خوانند، چراکه شعر در این دوره بیشتر آفاقی و برون‌گراست. هر شاعری بسته به احوالات خود، ممکن است روابط گوناگونی با طبیعت برقرار کند که به چند دسته مجزا قابل تقسیم است؛ ۱. توصیف ۲. همدلی ۳. یگانگی ۴. حلول.

توصیف

در این حالت، شاعر در امور بیرونی، دخل و تصرفی نمی‌کند بلکه آنها را همان‌گونه که هست، به تصویر می‌کشد، مثلاً می‌گوید:

«تنهایی من تلخ است، انگار که در کوهی آویخته از سنگی، کندوی سیاه وپوک»

شاعر با پیادآوری «تنهایی تلخ» خود «کندوی پوک آویخته از صخره‌ای» را در ذهن مجسم می‌کند تا به وصف تنهایی‌اش بپردازد، بابا بدین «عقاب بیماری» روح سر به زور خود را مجسم می‌کند؛ «سربده به زیربال خود روم/ مانند عقاب پیر بیماری» می‌بینیم که در این ابیات اموری نادیدنی چون «تنهایی» و «روح» با کمک عینیات توصیف



برش

شاعر باید از تکرار خود بگزیند

طراوت‌پور در راستای طبیعت‌گرایی شهرهایش، گاهی از آرایه اسلوب معادله که در شعر امروز حضور کم‌رنگ‌تری دارد، استفاده می‌کند؛ «بی‌امان و آبی‌اند گریه‌های مرد/ سیل‌های کوه، وحشی‌اند و هولناک؛ «پشت هر واژه خود را به نسب می‌دانم/ می‌شناسند شبانان، شتران را به نژاد». تمام این محاسن به خوبی به چشم می‌آید، اما سؤال اینجاست که چرا کوه‌زاد از نیمه‌های راه به بعد، دیگر مخاطب را آن‌گونه که باید و شاید، سزوق نمی‌آورد و او را با همان ولع اولیه دنبال خود نمی‌کشاند؟! تنها پاسخی که برای این پرسش می‌توان یافت، «تکرار» است؛ تکرار در لایه‌های میانی و هسته شعر.

و؛ «پدرم کوه و مادرم صبح است هر کسی خانواده‌ای دارد»

این‌گونه خیال انگیزی می‌تواند از ناخودآگاه جمعی و نگاه اساطیری شاعر نشأت گرفته باشد؛ می‌تواند از فلسفه‌ورزی او خبر دهد یا حاصل دریافت‌های عرفانی او باشد. چنانچه از غزل‌های طبیعت‌گرای صفحات ۱۰۵-۱۰۷-۱۱۵-۱۱۷ و۲۵نمی‌توان دریافتی غیر از معنویت شاعر داشت، گویی طبیعت، معبری است که او را سریع‌تر به معبود می‌رساند. در این‌گونه ابیات، من شاعر از میان برمی‌خیزد تا به گونه‌ای ضمنی چیزی بگوید، مثلاً خودش را گنجشک فرض می‌کند و جهان را چشم معبود و درچه زیبایی او می‌داند؛ تانه‌تنها خودش، بلکه تمام پرنده‌ها را در حال عبادت ببیند؛ «به نگاه تو پناه آوردم/ باغ‌ها معبد گنجشکان‌اند».

تشبیه‌های خودکار

در نقادانی از برخی تشبیه‌ها و استعاره‌ها با عنوان خودکار شده یاد می‌کنیم. آن‌هم وقتی که کاربرد زیاد آن، طراوت اولیه‌اش را زائل کرده باشد؛ مثلاً شاعر «هدهد» را به صوفیگری وامی‌دارد و صخره‌ها را انسان‌هایی می‌بیند که در آغوش یکدیگر رفته‌اند؛

«خافه‌ها هدهد پیر است کوهستان یادگارن اساطیر است کوهستان صخره‌هایش مست در آغوش هم خوابند این چنین در بند زنجیر است کوهستان»

یا می‌گوید؛ «کوه‌ها با کویر همراه‌اند/ هر نری جفت ماده‌ای دارد» و معلوم است که «کوه» و «کویر» را مانند انسان‌ها و سایر موجودات دارای جفت فرض کرده است.

حلول در جهان

گرچه در کوه‌زاد ابیات قابل توجهی از طریق همدلی و یگانگی شاعر با طبیعت شکل گرفته است اما بیشتر از همه اینها با «حلول» مواجه‌ایم؛ در چنین حالتی از من شاعر، شخصیتی مجزا باقی نمی‌ماند، بلکه «من» در جهان و اجزای آن حل می‌شود و شاعر به شکل طبیعت درمی‌آید. در این صورت نه تنها خود شاعر، بلکه پدر و مادر و اجدادش هم ممکن است بدل به درخت و کوه و صخره و... شود؛ «نیاکانم درختان اصیل زاگرس بودند شکوفامی‌شود با هر بهاری روح اجدادم»

«شاخه‌ای خشک‌تر از باد و اناری نارس/ مانده از من، من پژمرده‌ی آب‌وهرس»

مدیون بچه‌های تاریخ شفاهی هستیم. ان‌شاء... خداوند توفیق بدهد که تاریخ شفاهی را به درستی بیان کنیم. سوره مهر بر از دوستان کاردان در حوزه‌های مختلف است. یکی از بخش‌های درخشان، بخش ویراستاری است. ویراستاری کاری سخت بود. روایت‌های متعددی در کتاب وجود داشت و لحنی که اصرار داشتیم تا آخر کار بماند، همیشه دغدغه‌ام این بود که قبل از چاپ خوانده شود تا بدون اشتباه به دست خوانندگان برسد./ جام جم



بارها پرنده شده‌است؛

«گنجشک غریبی‌ام که از دنیا/ قانع شده‌ام به پوته خاری»

«شب‌ها برایم قصه می‌خوانی، نمی‌دانی/ شب‌های فروردین، پرستوها نمی‌خوابند»

«پرستوی به خاک افتاده‌ای از تیره‌سارم»

«زیر پیراهن من چلچله‌ای زندانی‌ست»

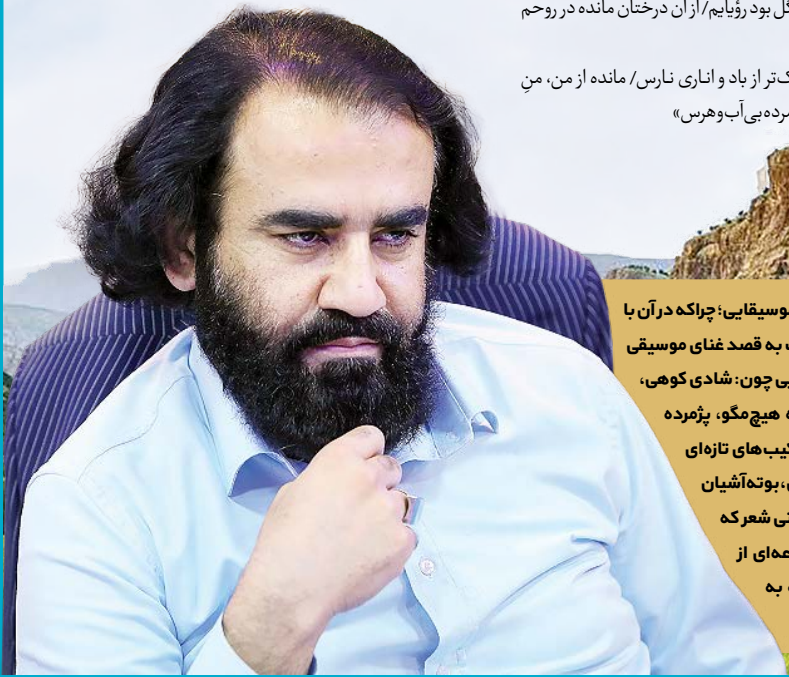
این‌گونه کاربرد‌ها بار اول و دوم و حتی بار سوم می‌تواند جذاب باشد اما بعد از آن دیگر حالتی خودکار شده می‌یابد. از لایه میانی که بگذریم به هسته شعر می‌رسیم که در برگزیده اندیشه شاعر است. طراوت‌پور در کوه‌زاد چند رویکرد غالب و مکرر دارد که عبارتند از؛

۱. عشق
۲.شعر درویشی‌ای چون؛ غربت و دلتنگی، غم، تنهایی، حسرت و...

۳.وصف طبیعت و شرح زیبایی آن

شاعر بارها غم، غربت و تنهایی خود را با کمک نماهای طبیعت به نمایش گذاشته است. طبیعت‌گرایی در همه ادوار شعر فارسی دیده می‌شود، اما شاعران متأخری از جمله سهراب و فروغ کوشیده‌اند با تحول و غنای اندیشه به بازار فرینی رویکرد‌های طبیعت‌گرایانه بپردارند، حتما آقای طراوت‌پور در این زمینه با من هم عقیده‌اند که اگر قرار است ما طبیعت را دوباره نویسی کنیم، باید طرحی نو و نامکرر در لایه‌های درونی شعر درآندازیم، مثلاً فروغ در دو مجموعه پایانی خود از اندیشه‌های سطحی، رمانتیک و شخصی سه مجموعه اولش بیرون آمده و انسانی و جهانی می‌اندیشد و پوسته نگران انجماد و سکون و ایندال انسان در رویارویی با صنعت و جدایی او از طبیعت است، درحالی‌که بسیاری از هم‌عصرانش نتوانسته‌اند از خویشن خویش بیرون بیایند. تحول اندیشگی، شعر را از استعاره‌گرایی به سمت نمادگرایی سوق می‌دهد.

ردیابی پربرنگی از زندگی امروز، اجتماع امروز، انسان امروز را نمی‌توان در شعرهای کوه‌زاد دید. انگار شاعر عمادانه خود را از جهان رزسته امروزش کنده و به طبیعت رزسته دیروزش برده است اما این عمد، در نهایت به نفع شعر تمام نشده؛ چراکه بخش قابل توجهی از توانمندی شاعر را قربانی کرده است. شاعری که با نگاه جزئی‌نگرانه‌اش این بیت را می‌سراید؛ «شب‌ها که لیکو‌ها می‌پیرا‌آز می‌خوانند/ غمگین‌تر است از های آنها، های‌های کوه» اگر خود خودش باشد -خودش در مواجهه با تمام جوانب و جزئیات زندگی -به‌گونه‌گونی تصویر و محتوا و از آنجا به جذابیت مضاعف غزل هایش خواهد رسید.

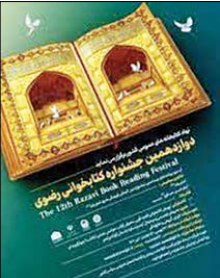


لایه بیرونی غزل‌ها از یکنواختی می‌رست، مخصوصاً از نظر موسیقایی؛ چراکه در آن با تنوع وزن، قافیه، ردیف و آرایش شایسته حروف و کلمات به قصد غنای موسیقی درونی مواجه می‌شویم، می‌توان از ترکیب‌های وصفی نویی چون: شادی کوهی، ابر هفتکنت، غزل‌های کوهی، کویر مردکش، جگرسوخته هیچ‌مگو، پژمرده بی‌آب و هرس، زبان ابری و ... هم یاد کرد؛ همین‌طور از ترکیب‌های تازه‌ای چون: غزل‌شروه، پیرشان اوهام، علف‌چشمه، حنجرآتشین، بوته‌آشیان و... که به ترتیب صورت شعر کمر بسته‌اند؛ اما در لایه میانی شعر که حاصل دستگاه خیال‌انگیزی شاعر است، با تکرار مجموعه‌ای از شگردهای شاعر مواجه می‌شویم، در نتیجه از یک نقطه به بعد دیگر تازگی اولیه را ندارد.

مراسم پایانی جشنواره

کتابخوانی رضوی برگزار شد

در مراسم اختتامیه دوازدهمین دوره جشنواره کتابخوانی رضوی که در تالار شیخ صدوق آستان حضرت عبدالغظیم (ع) سی برگزار شد، محمدرضا هراتی، دبیر جشنواره گفت: در این جشنواره شرکت‌کنندگان هم فردی، هم گروهی و هم خانوادگی حضور پیدا کردند، مآقالب‌ها را تغییر داده و قالب‌های مختلف هنری شامل هنرهای تجسمی، شعر، دست‌سازه‌ها و هنرهای دیجیتال را تعریف کردیم. هراتی از مشارکت ۶۶ درصدی بانوان در این جشنواره خبر داد و گفت: در این دوره یک میلیون و ۴۸ هزار نفر در جشنواره شرکت کردند. مهدی رضعانی، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نیز با بیان این‌که خوشبختانه امروز شاهد رشد کمیفی جشنواره کتابخوانی رضوی هستیم، گفت: همه اقشار جامعه از همه سطوح و سنین مختلف شرکت کردند و این نشان می‌دهد کتاب ظرفیتی بیش از این دارد و قدر کتاب باید بیش از این به جایند. ما در برگزاری جشنواره کتابخوانی رضوی نیازمند تولید محتوا بیش از آنچه تاکنون در کشور تولید شده، هستیم. من پیش از این نیز این استعداد را طلبیدم و ان‌شاء... این همت شکل بگیرد که درواره حضرت رضا (ع) محتوای قابل ارائه به سنین مختلف در جامعه بیشتر تولید شود و ما بهره‌بردار و بهره‌مند از این محتوای تولید شده باشیم./ ایسنا

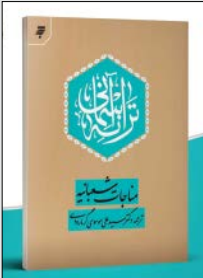


انتشار مناجات شعبانیه

با ترجمه موسوی گرمارودی

نشریه‌نشر کتاب «ترانه آسمانی: مناجات شعبانیه» را با ترجمه دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی منتشر کرد. این مناجات نمونه کاملی از تضرع و وصف حال برگزیده‌ترین بندگان صالح خدا با معبود و محبوب خود و ذات مقدس ربوبی است. حالت‌های انسان را به شئون مختلف

این عالم بیان می‌کند و قسمت‌های ابتدایی آن بیان کوچکی و شگستگی نفس او در برابر حق تعالی است که با جنبه مخلوقیت او متناسب است. این مناجات هم درس معارف بوده، هم آسوه و الگوی عرض حال و درخواست انسان مؤمن از خداوند متعال است. کتاب «ترانه آسمانی: مناجات شعبانیه» هم‌راز مناجات شعبانیه در یک صفحه و ترجمه ادبی، ساده و روان آن در صفحه مقابل با خط زیبایی چاپ و به زیور طبع آراسته شده است. این کتاب در ۱۴ صفحه قطع جیبی منتشر شده و با قیمت ۴۵ هزار تومان در فروشگاه‌های کتاب و محصولات فرهنگی انتشارات به‌نشر و سایت behnashr.com در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد. علی موسوی گرمارودی، شاعر و نویسنده، ترجمه ادبی قرآن و نهج‌البلاغه را هم در کارنامه‌اش دارد. عبور، سرودرگیر، فصل مردان سرخ، در سایه سار نخل ولایت، خط خون، چمن لاله، تا کاچا، باران اخم و... برخی از آثار اوست./ جام‌جم



ادبیات

یادداشت

آرش شفاهی
اگرچه فرهنگ و هنر

به انگیزه روز زبان مادری

زبان، وسیله‌ای

برای تولید هژمونی فرهنگی

امروز روز جهانی پاسداشت زبان مادری است. این روز در سال ۱۹۹۹ میلادی به پیشنهاد کشور بنگلادش در یونسکو به ثبت رسید. این روز در حقیقت تلاش جامعه جهانی برای حراست از زبان‌هایی است که در معرض خطر مرگ هستند. بزرگ‌ترین آسیبی که بسیاری از زبان‌های رایج در جهان را تهدید می‌کند، هجوم همه‌جانبه‌ای است که زبان‌های مسلط در جهان، برای یکپارچه‌سازی زبانی در سراسر کره خاک، آغاز کرده‌اند. این سیاست که ادامه سیاست‌های جهانی دولت‌های استعماری در قرون گذشته است، هویت ملی و محلی کشورهای جهان را هدف گرفته است. استعمارگران در دوران استعمار مستقیم کشورهای جهان‌سوم، هرکجا که رفتند، زبان‌های ملی را مورد حمله قرار دادند و با اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه، جریان طبیعی زبان‌های مادری را مختل کردند. نمونه آشنا، سیاستی است که استعمار انگلیس هنگام تسلط بر هند اتخاذ کرد. می‌دانیم در هند، زبان رسمی فارسی بود. این کشور در طول دوره‌های مختلف تحت اداره سلسله‌هایی بود که رواج زبان شیرین فارسی را در دستورکار خود داشتند. حتی در دوران صفویه که نگاه پادشاهان این دوره به شعر و شاعری را حمایت کامل و همه‌جانبه همراه نبود، بسیاری از شاعران و نویسندگان ایرانی به هند مهاجرت کردند و داخل دربارهای بزرگ و مجلل سلاطین هند، اقامت گزیدند. استعمارگران وقتی هند را تحت سلطه خود گرفتند، به سرعت زبان انگلیسی را زبان رسمی کردند و با توقف جریان تولید آثار ادبی و هنری به زبان فارسی و بیرون‌راندن این زبان و وحدت‌بخش جهان اسلام، باعث شدند ضربه بزرگی به جهان اسلام وارد شود. زبان فارسی در دوران طولانی، زبانی بود که شاخه‌های مختلف نژادی و قومی در جغرافیایی گسترده از مشرق‌زمین را به هم پیوند می‌زد. جغرافیایی که از دروازه‌های غربی چین آغاز می‌شد، آسیای مرکزی و شبه‌قاره هند را در بر می‌گرفت و از مرزهای ایران کنونی می‌گذشت و آسیای صغیر و بخش‌هایی از شام و اروپا را تحت تأثیر قرار می‌داد. این سیاست تنها با کنارگذاشتن زبان فارسی از نگارش رسمی و اداری همراه نبود، بلکه سیاست دیگری هم در کنار این راهبرد دنبال می‌شد و آن بر و بال دادن به زبان‌های محلی و کوچک با بهره‌برداری از احساسات ناسیونالیستی بود. به گونه‌ای که برخی زبان‌ها که دایره‌گوش‌وران کوچکی داشتند و در زیر چتر زبان فارسی به زیست خود در طول تاریخ ادامه داده بودند، به شکل رقیبی برای این زبان مهم و دارای پیشینه طولانی درآمدند. سوءاستفاده از موضوع زبان‌مادری، درست‌درهمین‌جاری‌و‌دایعینی‌زبان‌های محلی و کم‌گوش‌ور به عنوان بخش اصلی هویت ملی برخی کشورهای منطقه جلوه داد شد تا از این طریق سیاست‌های استعماری تجزیه‌طلبانه قوت و قدرت بگیرد. استعمارگران از ابزارهای فرهنگی استفاده کردند تا به جای ایجاد پیوند طبیعی و تاریخی زبان‌ها برای استمرار عملکرد طبیعی خود و استفاده از زبان‌های مختلف در جایگاه خود، یک زبان را برای دادن تنفس مصنوعی به زبان‌های کم‌پشتوانه، قربانی کنند. سیاست حذف زبان فارسی با این رویکرد در بخش‌های مختلفی از جهان اسلام دنبال شد. در آسیای مرکزی که روزگاری شهرهای مهمی چون بخارا، مرو و سمرقند از پایگاه‌های بزرگ زیست زبان فارسی بود و شاعران و نویسندگان و ادیبان بزرگی ازجمله پدر شعر فارسی رودکی سمرقندی را به جهان معرفی کرده بود، زبان فارسی از نفس افتاد. در هند و پاکستان و بنگلادش، در آسیای صغیر و در بسیاری از زیستگاه‌های زبان فارسی همین سیاست دنبال شد و امروز نیز سیاست تضعیف زبان فارسی در سرزمین افغانستان که زادگاه بزرگانی چون مولانا، سنایی، خواجہ عبدا...، انصاری، جامی و... بوده است، از سوی گروه طالبان دنبال می‌شود. این گروه با پشتوانه سیاسی قومیت‌محور، جریان تولید ادبیات فارسی‌ادر یکی از زادگاه‌های مهم خود تضعیف کرده و به دنبال ازبین بردن آن در دورانی نه چندان طولانی است. جادارد در روز زبان مادری، از تلاش مردم افغانستان برای پاسداری از زبان مادری خود نیز تقدیر و یاد کرد.

قاب



قند پارسی

به هند رفت

در حاشیه نمایشگاه کتاب دهلی‌نو، شاعران ایرانی با استادان و دانشجویان زبان فارسی دانشگاه جامعه ملیه اسلامییه دیدار کردند و با آنان از شعر و ادبیات فارسی گفتند. در این تصویر می‌بینید که دانشجویان هندی با شوق و علاقه به سخنرانی قربان ولینی، شاعر و استاد دانشگاه اسلامییه دیدار اسلامی و شعر فارسی گوش می‌دهند.